

محاكمه دختر دانشجوبه اتهام

اسيدپاشی



در حاشیه

دختری که در زندان زاده شد

محمد بلوری / قسمت سوم

سرآغاز مهتاب زن جوانی که به اتهام قتل همسرش دستگیر شده بود، اولین فرزندش را در زندان زنان به دنیا آورد. آنگاه محاکمه‌اش در دادگاه عالی جنایی آغاز شد.

صدای گریه مهتاب در فضای تالار بزرگ محاکمات جنایی پیچید. در برابر دادرسان که ایستاده بود داشت تعادلش را از دست می داد. دست‌های لرزانش را بر میز تریبون خطابه گرفت تا نیفتد. رئیس دادگاه گفت: خانم، اثر انگشت شما روی لیوان محتوی سم نباتی پیدا شده است.

مهتاب با گریه جواب داد:

« من بیگناهم آقای رئیس. برای من توطئه‌ای خانوادگی چیده‌اند تا من قاتل کسی معرفی شوم که عاشقش بودم.

«توطئه خانوادگی؟ چرا؟ مگر دشمن شما بوده‌اند. چه کسی با شما دشمنی کرده؟

مهتاب جواب داد: مادر شوهرم جناب قاضی. می‌خواست با کشتن پسرخوانده‌اش که شوهرم بود، هم به ثروتی برسد و هم من را قاتل معرفی کند.

«خانم مهتاب تعریف کنید در شب قتل شوهرت در خانه چه گذشت؟ مهتاب گفت: همان‌طور که در دفاعیه‌ام نوشته‌ام پدر شوهر مرحومم دو زن داشت. همسر دومش که تنها پسرش با من ازدواج کرده بود به‌خاطر بیماری سرطان فوت شد و سلطان بانو «زن اولش» با پسر بزرگی که داشت به فکر افتادند همه املاک و دارایی شوهر مرحومش را به چنگ بیاورند و به‌همین خاطر همیشه با همسر بر سر تصاحب دارایی‌ها جاج‌قاج یعنی پدرشوهرم اختلاف داشتند.

رئیس دادگاه: از شب مرگ همسرتان بگویید

مهتاب: همان‌طور که گفتم، آن شب برادر ناتنی شوهرم و مادرش به خانه ما آمدند بودند و با مادرش، شوهرم را تحت فشار قرار داده بودند تا املاک و شرکتی را که در اختیار همسرم بود از چنگش در بیاورند. مشاجره‌شان با شوهرم تا نیمه‌های شب ادامه پیدا کرد و من به اتاق خواب رفته بودم تا شاهد جر و بحث‌شان نباشم. صبح که بیدار شدم فهمیدم مهرداد نیمه شب برای اینکه بیدارم نکند به اتاق کارش رفته و همانجا روی تخت تک‌نفره‌ای که داشته خوابیده. به اتاق کارش رفتم تا بیدارش کنم که دیدم با صورت کبود و لب‌های کف کرده مرده.

«آیا با هم اختلافی داشتید؟ مادر شوهرتان این ادعا را دارد.

« دروغ می‌گوید آقای قاضی. این زن تصمیم داشت زندگی زناشویی ما را از هم بپاشد.

«خانم مهتاب تعریف کنید چطور با شوهر مرحومتان آشنا شده‌اید و ازدواج کرده‌اید؟

مهتاب با چشم‌هایی پر اشک و بغضی در گلو جواب داد: در حدود بیست سال پیش دختر بچه دوساله‌ای بودم که صبح یک روز من را در پیاده‌روی پیر رفت و آمد یک خیابان پیدا کردند و تحویل شیرخوارگاه عمومی شهرمان دادند. براساس گزارش یکی از مأموران کلانتری که من را گریان میان جمعیت رهگذر پیدا کرده و به کلانتری محل انتقال داده بود، بقیه‌ای در بغل داشتم و میان انبوه رهگذران به هر طرف می‌دویدم و گریه کنان مادرم را صد می‌زد. یک روسری آبی زنانه به سرم بود و یک پیراهن بافتنی به تن داشتم. یک جفت کش سگک دارقرمز به پا و بقیه‌ای که یک دست مانتو و شلوار بافتنی بچگانه در آن بود. یکی از مادران شیرخوارگاهی که من را به آنجا سپرده بودند تعریف می‌کرد وقتی به دستور دادستان تهران من را به شیرخوارگاه سپردند، آن روسری آبی زنانه را شب‌ها به صورتم می‌فشردم و با بوی مادرم به خواب می‌رفتم. روسری‌ای که هنوز آن را به نشانه و یادگاری از مادرم نگهش داشتم. یک روز در حیاط پرورشگاه دخترکی همسن و سالم آن را از چنگم درآورده و پا به فرار گذاشت و من که انگار همه هستی‌ام به غارت رفته است شیون کنان به دنبالش دویدم. با حال زاری می‌دیدم که دختر بچه‌ها در بازی کودکان‌شان روسری را دست‌به‌دست می‌گردانند و بی‌توجه به گریه و زاری‌ام از چنگم می‌گیرند. پسر بچه‌ای که شاهد حال زارم شده بود به جمع‌شان هجوم برد، روسری آبی یادگار مادرم را از دست‌شان بیرون کشید و به دستم داد. آن روز تنها یاورم آن پسرک شش ساله مهربان بود که در مقابل رفتار خشونت‌بار دختر بچه‌های نامهربان از من حمایت می‌کرد... در چارده‌ویاری پرورشگاه بود که دوره دبستان و دبیرستان را گذراندم تا اینکه دو سال پیش در پرورشگاه به رویم باز شد و قدیم در جامعه گذاشتم تا به یاری و مراقبت یکی از مددکاران مهربان پرورشگاه در یک شرکت تجاری، کاری پیدا کردم.

ادامه دارد

مصدومیت ۳ تیوب سوار در برخورد با سمند

گروه حوادث / برخورد تیوب سواران در ارتفاعات روستای امند زنجان با یک دستگاه خودروی سواری سمند باعث مصدومیت شدید سه جوان شد.

جواد مرادی، مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان در این باره به ایرنا گفت: سه جوان زنجاننی روز جمعه در ارتفاعات نزدیک روستای «امند» در حال تیوب سواری بودند که ناگهان با یک دستگاه خودروی سمند پارک شده در پایین دست جاده شدت برخورد کرده و دچار حادثه شدند. با اعلام موضوع به امدادگران اورژانس آنها در محل حاضر شده و این سه مرد جوان را که ۲۰، ۲۷ و ۲۸ ساله بودند و از نواحی سر، صورت، گردن و کتف آسیب دیده بودند برای درمان به بیمارستان آیت‌الله موسوی زنجان انتقال دادند.

کامیون وارد مغازه کبابی شد



گروه حوادث / ورود یکدستگاه کامیون به مغازه کبابی در اسلام آباد اردبیل باعث مرگ راننده شد.

به گزارش خبرنگاری صداوسیما، حدود ساعت ۷ صبح دیروز یک دستگاه کامیون کمپرسی در جاده اسلام آباد به طرف پلیس راه سرپند در روستای تپراق کندی وارد یک مغازه کبابی شد و باعث تخریب مغازه شد در این حادثه راننده در دم فوت گرد. بعد از ۲ ساعت تلاش مأموران راهنمایی و رانندگی، هلال احمر و کمک مردم، کامیون از محل حادثه بیرون کشیده شد. راننده فوت شده یک مرد میانسال و از اهالی روستای اسلام آباد جدید بود. علت حادثه در دست بررسی است.

اخبار

گروه حوادث / دختر دانشجویی که متهم است روی پسر هم دانشکده‌ای خود اسید ریخته و باعث آسیب شدیدی به وی شده در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۳ سال قبل با گزارش حراست یکی از بیمارستان‌های تهران در خصوص اسیدپاشی مشکوک به دختر و پسر دانشجوی آغاز شد. بلافاصله مأموران به بیمارستان مراجعه و تحقیقات را آغاز کردند. پسر جوان به‌نام مهران در توضیح ماجرا گفت: من دانشجوی پزشکی هستم با دختر جوانی به‌نام میترا که از هم دانشکده‌ای‌هایم بود دوست بودم و قصد داشتم که با او ازدواج کنم اما پس از مدتی به این نتیجه رسیدم که اختلافات زیادی میان من و او وجود دارد و نمی‌توانیم با هم زندگی خوبی داشته باشیم. وقتی این موضوع را به او گفتم و خواستم که رابطه‌مان را تمام کنیم او عصبانی شد و با اسید من را سوزاند. با شکایت مهران، میترا بازداشت شد اما او که خودش نیز با اسید سوختگی مختصری داشت به مأموران گفت: پس از آنکه با مهران آشنا شدم او به من ابراز علاقه کرد و گفت قصد ازدواج دارد. بعد از مدتی من را به خانه‌اش دعوت کرد و خواست با او رابطه داشته باشم اما مخالفتم با این خواسته او را عصبانی کرد و روی صورتم اسید پاشید.

ظاهر آ از همان اسید روی خودش هم ریخته و حالا مدعی شده که من اسیدپاشی کردم. من به هیچ عنوان روی مهران اسید نپاشیدم و او دروغ می‌گوید. با این حال و با توجه به شدت آسیب دیدگی شاکي، میترا بازداشت شد و در نهایت با نظریه پزشکی قانونی و سایر مدارک به دست آمده کیفرخواست علیه متهم صادر گردید. پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

■ در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده، قاضی متین راسخ رئیس شعبه گفت: قبل از اینکه وارد رسیدگی شوم به حسب وظیفه شرعی هر دو طرف را به مصالحه دعوت و توصیه می‌کنم شاکي با توجه به جوان بودن متهم نسبت به او گذشت داشته باشد. سپس چند دقیقه تنفس اعلام کرد تا طرفین با هم صحبت کنند تا به مصالحه برسند. اما با توجه به اینکه وکلای طرفین به نتیجه نرسیدند جلسه رسیدگی آغاز شد و شاکي درخواست مجازات کرد او گفت: من بیش از ۷۰ بار زیر عمل جراحی رفتم و دوماه در بخش آی‌سی‌یو بستری بودم هیچکس نمی‌داند من چه دردی کشیدم. سپس میترا که با وثیقه آزاد بود به‌عنوان متهم در جایگاه قرار گرفت و با رد اتهام مطرح شده گفت: من از شهرستان برای

قاتل پسر عمو بخشیده شد



گروه حوادث /پسر عمو قاتل که ظنا ب در دور گردنش افتاده بود، زمانی که فقط چند ساعت به اجرای کشمش مانده بود، به حرمت ایام فاطمیه از سوی خانواده مقتول بخشیده شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از غروب ۲۵ فروردین سال ۹۲ و به دنبال نزاعی خونین در یک بنگاه املاک آغاز شد. مأموران کلانتری ۱۱۵ رازی با اطلاع از این درگیری راهی محل حادثه در خیابان هلال احمر شدند. با حضور مأموران آنها با بدن نیمه جان مرد ۴۲ ساله‌ای به نام فریدون و دو مرد مجروح دیگر روبه رو شدند. سه مرد جوان به بیمارستان منتقل شدند اما فریدون به خاطر شدت جراحات ساعتی بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

■ ارثیه‌دردرساز

همزمان با مرگ مرد جوان، موضوع به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. در تحقیقات صورت گرفته یکی از شاهدان گفت: روز حادثه یاشار- پسر عمو مقتول- به بنگاه املاک فریدون آمد. آنها بر سر ملکی موروثی در اردبیل باهم درگیری داشتند. یاشار با چاقویی که همراه داشت، به فریدون حمله کرد و سپس از زدن او و دو مرد دیگر پا به فرار گذاشت. با شناسایی هویت متهم اصلی این جنایت، تحقیقات برای دستگیری پسر ۳۰ ساله ادامه یافت و در نهایت ۴۸ ساعت پس از این جنایت، او دستگیر شد. پسر جوان در تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: ملکی در اردبیل داریم که متعلق به پد بزرگم بود و پس از مرگش به

پدر و عموهایم رسید. همین ارثیه باعث اختلاف بین من و فریدون شد. آن روز فریدون به من گفت که به بنگاهش بروم تا در مورد اختلاف‌اتمان صحبت کنیم. روز حادثه به همراه دو نفر از آشنایان به مغازه فریدون رفتم و او کرکره مغازه را تا نیمه پایین کشید. اصلا قصدم درگیری و دعوا نبود چه برسد به اینکه بخواهم او را به قتل برسانم. صحبت‌ها بر سر ارثیه دردرساز شروع شد که درگیری بالا گرفت. آنها با چوب و چماق به ما حمله کردند و ما هم با چاقو از خودمان دفاع کردیم. وقتی فریدون و پسر عموهایم روی زمین افتادند تازه متوجه شدم چه کاری انجام داده‌ام و پا به فرار گذاشتم.

■ در دادگاه

اعترافات متهم جوان به قتل، بازسازی صحنه جنایت، مدارک موجود در صحنه و اظهارات شاهدان، حکایت از مقصر بودن یاشار در این جنایت داشت. با توجه به درخواست اولیای دم، پرونده این جنایت برای صدور حکم به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد. متهم در دادگاه کیفری یک دفاع از خود پرداخت و ابراز بی‌سیمانی کرد اما با درخواست اولیای دم، قضات دادگاه کیفری حکم بر قصاص او صادر کردند.

■ روز اجرای حکم

با صدور حکم قصاص و تأیید این حکم در دیوانعالی کشور، پرونده برای اجرا به شعبه سوم اجرای احکام دادرسی امور جنایی تهران ارجاع شد. جلسات صلح و سازش متعددی با حضور محمد شهریاری، سرپرست دادرسی امور جنایی تهران و محسن اختیاری، سرپرست

تحصیل به تهران آمده بودم مدتی با مهران در ارتباط بودیم و به اصرار او به خانه‌اش رفتم. تازه رسیده بودیم که زنگ در خانه را زدند مهران ادعا کرد یکی از همکارانش برای انجام کاری آمده و از من خواست تا به طبقه بالا بروم. من به پشت بام خانه رفتم و منتظر شدم. همکارش یک خانم بود و بعد از چند دقیقه رفت و من دوباره به داخل واحد برگشتم. همان موقع بود که مهران از من خواست تا با او رابطه نامشروع داشته باشم که قبول نکردم. بعد به دستشویی رفتم و وقتی برگشتم در دستش یک بطری بود او دوباره درخواستش را مطرح کرد و وقتی با مخالفت جدی من روبه‌رو شد، آنچه در بطری بود را روی من ریخت و من هم بطری را از او گرفتم و باهم درگیر شدیم که همین مسأله باعث سوختگی او شد.

قاضی از متهم پرسید: اگر تو اسید نپاشیدی و مرد جوان خودش اسید پاشیده نباید همه قسمت‌های صورت و پشت سرش بسوزد. او که روی صورت خودش اسید نپاشیده این اسید باید روی بدنش یا شانه‌هایش بریزد این حرف‌ها با واقعیت مطابقت ندارد. ضمن اینکه پیش‌تر گفتمی در حالت نشسته بودی که اسید ریخته شد اگر حالت نشسته باشد که نباید ساق پای تو بسوزد.

متهم که پاسخ قانع‌کننده‌ای نداشت

در جواب قاضی گفت: من اتهامم را قبول ندارم و من اسید نپاشیدم. در این ۳ سال خودم به‌خاطر سوختگی ناشی از اسیدی که شاکي روی من ریخته بود ناچار شدم پلک و گونه‌ام را پیوند بزنم. قاضی سؤال کرد: چطور هیچ اثر سوختگی روی صورت تو نیست؟ که دختر جوان بازهم نتوانست پاسخی به قاضی بدهد. بعد از اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

■ طرد از خانواده

پس از پایان جلسه دادگاه میترا درباره زندگی شخصی‌اش گفت: من در یکی از

عامل قتل در بوستان کرج پای میز محاکمه

گروه حوادث / پسر جوانی که در جریان نزاع دسته‌جمعی در یکی از بوستان‌های استان البرز مرتکب قتل شده بود صبح دیروز در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز پای میز محاکمه ایستاد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از دو سال قبل به دنبال درگیری چند پسر جوان در یکی از بوستان‌های کرج آغاز شد در این درگیری پسر ۱۹ ساله به نام بهروز بر اثر ضربه چاقو به قتل رسید.

در نخستین تحقیقات مشخص شد که چند پسر جوان باهم درگیر شده‌اند و در این درگیری پد ۱۸ساله با چاقویی که همراهش بوده است ضربه‌ای به بهروز زده و خیلی زود از محل درگیری فرار کرده است. بنابراین پدرام تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و همچنین سایر افرادی که در این نزاع خیابانی شرکت داشتند به نام‌های فرید، مهران و شاهین دستگیر شده و تحت بازجویی کارآگاهان جنایی استان البرز قرار گرفتند.

در حالی که پدرام تحت تعقیب قرار داشت چند روز بعد وی در حالی که در خانه یکی از اقوام خود مخفی شده بود بازداشت شد. او پس از انتقال به اداره پلیس در نخستین بازجویی‌ها اتهام قتل را تصدیق اما بعد از مدتی به قتل بهروز اعتراف کرد و پس از صدور کیفرخواست برای پرونده اش صبح دیروز در شعبه یکم استان البرز به ریاست قاضی فلاحی و یک مستشار تحت محاکمه قرار گرفت.

در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده نماینده دادستان متن کیفرخواست را خواند سپس اولیای دم که پدر و مادر مقتول بودند خواستار قصاص عامل قتل پسرشان شدند. سپس متهم در حالی که زندان بوده و به صورت ویدیو کنفرانس تصاویرش روی مانیتور دادرسان دادگاه قرار داشت تحت محاکمه قرار گرفت. وی در پی تفهیم اتهام گفت من قبول دارم که با چاقو ضربه‌ای به مرحوم زدم اما هرگز قصد کشتن او را نداشتم.

این متهم در تشریح ماجرا گفت: درگیری از وقتی شروع شد که بهروز و دوستانش به ما ملگت گفتند و ما هم تصمیم گرفتیم جوابشان را بدهیم اما کار به درگیری کشید و من چاقویی که همراهم بود را بیرون آوردم تا آنها را بترسانم.

پس از پایان اظهارات متهم و دفاع مشروع سایر متهمان این پرونده که باقر روثیقه آزاد بودند، قضات ختم جلسه را اعلام کرده و برای صدور حکم وارد شور شدند.

درگیری مرگبار به خاطر خانه موروثی

باید آنجا را تخلیه کند. سر همین مسأله با همدیگر به اختلاف خوردند و روز ۲۴ آبان، در جریان یک درگیری عمومی پدرم را کتک زد و با چهارپایه به سر او کوبید. پدرم بشدت مصدوم شد که او را به بیمارستان منتقل کردیم. او ادامه داد: به‌خاطر این موضوع از عمومیم شکایت کردیم و پرونده‌ای در کلانتری داریم؛ چند روزی از بستری شدن پدرم گذشته بود که او از بیمارستان ترخیص شد، اما خیلی زود دوباره حالش بد شد و او را به بیمارستان رساندیم. این بار درمان مؤثر واقع نشد و پدرم جان باخت حلال هم من عمومیم را در مرگ پدرم مقصر می‌دانم و از او شکایت دارم.

به دنبال اظهارات پسر جوان، بازپرس شعبه یازدهم دادرسی امور جنایی تهران دستور انتقال جسد مرد میانسال به پزشکی قانونی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ و تحقیق از برادر مرد میانسال را صادر کرد.

به دنبال اعلام این خبر، تحقیقات به دستور بازپرس

مصفی واحدی آغاز شد؛ در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد مرد ۶۶ ساله به‌نام خسرو برای درمان به بیمارستان منتقل شده بود اما با وجود تلاش کادر درمان وی جان باخت. بنابراین با توجه به مشکوک بودن مرگ مرد میانسال تحقیق از خانواده او آغاز شد.

پسر خسرو در حالی که عمویش را در مرگ پدر مقصر می‌دانست به مأموران گفت: پدرم سال‌ها در خانه موروثی که متعلق به مادرش بود زندگی می‌کرد تا اینکه عمویم گفت می‌خواهد خانه را بسازد و پدرم

از سوی آنها روبه‌رو بود تا اینکه سرانجام سه شنبه گذشته به یاشار ابلاغ شد که صبح چهارشنبه حکم او اجرا خواهد شد. یاشار برای اجرای حکم و نوشتن وصیت نامه به اتاق ویژه منتقل شد و در حالی که چند ساعت به اجرای حکم مانده بود این بار تلاش واحد صلح و سازش دادرسی امور جنایی پایتخت نتیجه داد و خانواده فریدون به حرمت ایام عزاداری حضرت فاطمه زهرا (س) از قصاص قاتل پسرشان گذشت کردند. بدین ترتیب یاشار به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه خواهد شد.

عملیات ۴ ساعته برای گروگانگیری ۲۰۰ میلیونی

است.

یک ساعت پس از ربوده شدن این مرد ۳۷ ساله یکی از آدم‌ربایان در تماس با پدر وی درخواست ۲۰۰ میلیون تومان کرده که وی بلافاصله موضوع را به پلیس اطلاع داده است.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ، در این باره گفت: به منظور حفظ جان گروگان، تیم عملیات کلانتری ۱۰۴ شناسایی مخفیگاه متهمان را در دستور کار قرار دادند و موفق شدند محل اسارت گروگان را در یکی از شهرستان‌های غربی استان تهران شناسایی و با دریافت نیابت قضایی گروگان را ظرف ۴ ساعت، آزاد کنند. در این عملیات ۳ آدم‌ربا دستگیر شدند اما نفر چهارم پیش از حضور مأموران از محل گریخته بود که تلاش برای دستگیری وی ادامه دارد.